

معرفی برخی از اولویت های پژوهشی

ضرورت توجه به ماهیت تعهدات پولی؛ اعتبارهای پولی و امور بانکی

بدون تردید شناخت ماهیت و میزان هر تعهدی در تشخیص اجرای صحیح یا ناقص آن تعهد تأثیر به سزایی دارد و داوری در مورد اینکه تعهد اجرا شده یا نه بدون شناخت ماهیت و میزان آن ممکن نیست. اهمیت تشخیص ماهیت تعهدات پولی نسبت به تعهدات غیر پولی بیشتر است، زیرا نه تنها بخش عمده ای از تعهدات، به صورت پولی ایجاد و ایفاء می شوند، بلکه تعهدات غیر پولی نیز به شدت تحت تأثیر تعهدات پولی قرار می گیرند. تبدیل کالاها و کارهای متنوع مازاد بر نیاز به یک ارزش واسط عمومی بی خطر یا کم خطری مانند پول شیوهٔ عاقلانهٔ قابل دفاعی است که در شرایط کنونی پیروی از آن اجتناب ناپذیر به نظر می رسد. به علاوه سپردن داراییهای پولی مازاد بر نیازهای جاری به بانکها نیز این چرخه را تکمیل می کند. افزون بر این حتی امروزه به همراه داشتن پول (سکه و اسکناس) چندان قابل توجیه نیست و داشتن ابزاری مانند کارت (از جمله کارت ملی جامع) یا رمزی که شخص بتواند با استفاده از آن در صورت نیاز به راحتی به دارایی خود دسترسی داشته باشد مزایای فراوانی از جمله راحتی مبادلات و مصونیت از پاره ای خطرهای آن نیز در بر دارد و از جهات گوناگون قابل دفاع است. بر همین مبنا سپردن تمام وجوه نقدی به بانکها و تبدیل آن به اعتبار و اخذ کارت اعتباری حتی حذف اسکناس و سکه و تبدیل آنها به دارایی اعتباری (بدون تنظیم اسناد اعتباری به شکل سنتی) بی وجه به نظر نمی رسد. زیرا این شیوه علاوه بر مزایای پول هزینه های مازادی مانند هزینه های انتشار پول و اسناد اعتباری را ندارد و صرفه جویی و سادگی گردش مالی را نیز به دنبال دارد. با وجود این، سرمایه گذاری در بانکها و مؤسسات مالی علی رغم مزایای فراوان آن، خطر پذیر و از حیث ساختار نظام حقوق اقتصادی و محتوای روابط حقوقی (معاملات بانکها با مشتریان) نیز قابل بحث و ایراد است¹ زیرا گرچه با رواج بانکداری از خطر

1- گرچه قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) (مصوب 1362) در بانکهای ایران اجرا می شود ولی نتوانسته است برای عموم مردم این باور را ایجاد کند که معاملات ربوی از روابط بانکها حذف شده است. به موجب مادهٔ 3 قانون مذکور: بانکها می توانند تحت هر یک از عناوین ذیل به قبول سپرده مبادرت نمایند: الف- سپرده های قرض الحسنه (جاری و دراز مدت). ب- سپرده های سرمایه گذاری مدت دار که بانک در به کارگیری آنها و کیل می باشد (مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله).

سرق و مفقودی سرمایه های پس انداز شده در بانک ها به شیوه سنتی تا حدود چشمگیری کم شده است ولی تنزل ارزش دارایی مردم خطر جدیدی است که سرمایه های مذکور را تهدید می کند. این خطر و آثار مخرب آن نیز باید با هر شیوه ممکن از بین برود؛ باید تمهیداتی فراهم شود که هیچ مؤسسه مالی نتواند از ایفای کامل تعهد معاف گردد و بتواند با انواع تبلیغهای فریبنده سرمایه های مردم را جمع ولی با پرداخت مبلغ اسمی بدهی، خود را از ایفای کامل تعهد بری بداند؛ به گونه ای که گاه در سر رسید تأدیة بدهی، مجموع ارزش مبلغ پرداختی به سپرده گذار با سود آن کمتر از ارزش اصل سرمایه ای باشد که از مشتری خود گرفته است. این نوع تعامل با مشتریان نه تنها به آنها ضرر می رساند بلکه در مجموع به ضرر جامعه و دولت تمام می شود و با قواعد بنیادین حقوق مغایرت دارد. زیرا علاوه بر تحمیل خسارت مادی بر سپرده گذار به اعتماد عمومی نیز آسیب می زند و خسارت سنگینی به روابط معنوی دولت و مردم می زند. بدون تردید بدهکار هنگامی بری می شود که تمام بدهی خود را به طلبکار برگرداند و با تأدیة بخشی از بدهی ذمه بدهکار نسبت به باقیمانده آن مشغول می ماند. در تبیین مسئولیت مدنی مؤسسات مالی و اعتباری راهکارها و تحلیل های حقوقی متقن و جالبی وجود دارد که استناد و توجه محاکم به آنها در تحقق و اجرای عدالت اقتصادی بسیار مؤثر است. برای مثال: - آیا تعهد و تبلیغ بانک ها نسبت به تعلق سود و جایزه حسب مورد به سپرده های بانکی و قرض الحسنه دلالت قطعی ندارد که بانک در برابر سپرده گذار دست کم ارزش واقعی پول را در هر صورت تعهد و تضمین می کند؟ - آیا فعالیتهای اقتصادی غیر متعارف و مغایر با شرایط سپرده گذاری، ید امانی و نیابتی شخص حقوقی مؤسسه مالی یا ید متصدیان متخلف امور بانکی را به ید ضمانتی تبدیل نمی کند؟ خطر بزرگ دیگر در حوزه مالی و اقتصادی سوء استفاده شدید برخی از بانکهای خارجی از سرمایه های ملی کشورهای نفت خیز جهان است که با پشتیبانی و همکاری برخی از دولتهای سلطه گر اجرا می شود؛ این مؤسسات مالی از سرمایه های پس انداز شده به دلخواه خود بهره مند می شوند و گاه در اجرای سیاستهای سلطه گرانه دولتهای وابسته خود به طور کلی از ایفای تعهد سر باز می زنند و سرمایه های پس انداز شده را (که ما به ازای فروش نفت یا دیگر ذخایر منحصر و محدود ملی کشورهاست) بدون دلیل توقیف یا مصادره می کنند. در صورتی که بدون تردید بر مبنای شریعت اسلام هر نوع سلطه بیگانگان کافر بر مسلمانان از جمله سلطه مالی و اقتصادی ممنوع است

(نساء/141) (وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً¹). عدم تبیین و ساماندهی نظام پولی و بانکی و تنزل مستمر ارزش پول ملی در سالهای گذشته نه تنها از نظر سیاسی و اقتصادی قابل توجیه نیست، بلکه بی اعتمادی مردم را در پی داشته و پیامدهای ناخوشایند هشدار دهندهٔ محل نظم عمومی را نیز بر جای گذاشته است. مرور اجمالی و فهرست وار بر برخی از واکنشهای مردم نسبت به تنزل ارزش پول و یادآوری برخی از آثار ناخوشایند آن در حوزه های گوناگون اجتماعی و اقتصادی به ترتیب ذیل برای مدیران کلان اقتصادی و برنامه ریزی کشور بسیار مفید و عبرت آموز است: - نهادینه شدن تعیین مهریه ها با سکهٔ بهار آزادی و مانند آن؛ - نرخ گذاری کالاها با مبنای برخی از ارزشهای خارجی؛¹ - تبدیل سرمایه های نقدی به سکه، ارز، زمین، ساختمان و برخی از کالاهای ضروری مردم و ایجاد گرانی و نابسامانی ادواری اقتصادی و احتکار برخی از کالاهای اساسی؛ - ورود ناشیانهٔ غیر تجار و گاه برخی از اشخاص حقوق عمومی به حوزهٔ تجارت و بر هم زدن نظم عمومی تجاری و اقتصادی؛ - جمع آوری دارایی پولی مردم با تبلیغات فریبنده؛ برخی از فرصت طلبان تحت پوشش مؤسسات مالی ثبت شده یا نشده و نامها و شعارهای زیبا و فریبنده، دارایی پولی مردم را جمع آوری و به اموال غیر منقول و مانند آن تبدیل و در فرصت مناسب با اعلام انحلال یا ورشکستگی مبلغ اسمی سپرده ها را از محل فروش یا مصادرهٔ برخی از دارایی های مذکور پرداخته و ذمهٔ خود را به طور کامل بری می دانند. - سوء استفادهٔ برخی از وارد کنندگان کالا و خدمات از ارزش دولتی و اعتبارات پول ملی. بنابراین با توجه به نکات مذکور اولویت دریافت مقالات در حوزهٔ ساماندهی نظام پولی و تبیین ماهیت حقوقی تعهدات پولی و معیارهای بانکداری اسلامی به عنوان یکی از اولویتهای فصلنامه برای دریافت مقالات است و به اهل فضل و دانش پیشنهاد می شود که برخی از مقالات پژوهشی خود را در این حوزه به ویژه راهکارهای حقوقی فرار از سلطهٔ اقتصادی خارجی و پیشگیری از غارت سرمایه های ملی کشورها تدوین و به دفتر فصلنامه ارائه فرمایند. برای نمونه برخی از اولویتها و عنوان های کلی از قرار ذیلند: 1- مثلی یا قیمی بودن پول؛ 2- رابطهٔ حقوقی قرض پول و وام بانکی؛ 3- ماهیت حقوقی انواع

1- با کمال تأسف و نگرانی، مبنای محاسبه قرار گرفتن ارزش برخی از کشورهای متخاصم، خود به تبلیغ مهم و مؤثری به نفع خصم تبدیل شده است.

وامها و معاملات واگذاری وام به وام گیرنده و دیگری؛ 4- تعیین سود قطعی برای وامها و سپرده های پولی؛ 5- به وسیله یا نتیجه بودن تعهد بانکها - آیا بانکها نسبت به باز گرداندن مبلغ عددی مندرج بر روی پول تعهد می کنند یا نسبت به ارزش واقعی آن؛ 6- بانکداری اسلامی و بانکداری بدون ربا- مسئولیت انتشار پول بدون پشتوانه؛ 7- مسئولیت ناشی از تورم (تورم داخلی و خارجی)؛ 8- انواع گوناگون قراردادهای سرمایه گذاری؛ 9- حدود مسئولیت شخصی مدیران و متصدیان امور بانکی و تفکیک آن از مسئولیت شخص حقوقی بانک. 10- اعتبار قراردادهای اسناد تجاری و اعتبارهای اسنادی جدید؛ 11- ماهیت حقوقی انواع سهام و سهام عدالت؛ 12- وضع حقوقی معاملات مربوط به سهام عدالت. 13- مبانی، دلایل و آثار (مثبت و منفی) حذف چند صفر از پول ملی و تغییر واحد آن؛ 14- نقش حذف چند صفر از پول ملی و تغییر واحد آن در روابط حقوقی اشخاص و نقل و انتقال بدون سبب داراییها. علاوه بر این برخی از چالشهای دیگری نیز در مورد ایفای تعهدات پولی وجود دارد که تحلیل صحیح و رفع ابهام از آنها در اجرای عدالت تأثیر مثبتی خواهد داشت: برخی از محورهای چالشی عمومی مذکور در این حوزه عبارتند از: - کیفیت ایفای صحیح تعهد مؤسسات پولی و مالی نسبت به طلبکاران خود و ایفای صحیح تعهد بدهکاران بانکی؛ - شرایط ایفای تعهد دولت نسبت به کارکنان خود و ایفای صحیح تعهد بدهکاران به دولت؛ - شرایط اجرای تعهدات کارفرمایان در قبال کارگران؛ - کیفیت پرداخت مطالبات ارزی در صورت نوسان قیمت؛ - برائت ذمه بدهکاران کلان بانکی و دولتی با تأدیه مبلغ اسمی وام یا تأدیه ارزش واقعی آن؛¹ - معیار برائت ذمه متعهد پرداخت نفقه (آیا متعهد پرداخت نفقه با تأدیه مبلغی پول بری می شود؟)؛ - رابطه حقوقی نفقه عمومی شهروندان و یارانه ها؛ - مبنا و ماهیت حقوقی یارانه ها (تکلیف دولت نسبت به پرداخت یارانه ها از باب جبران خسارت است یا تأدیه نفقه عمومی یا...) در یک بررسی اجمالی به نظر می رسد که هر یک از عنوانهای جزئی یا کلی مذکور ظرفیت و قابلیت اجرای پژوهشهای متعدد حوزوی و دانشگاهی را دارد. نادیده گرفتن این ضرورتها و تکرار کارهای بدون اولویت و انجام داده شده و ارائه مباحث تکراری در مقالات و پایان نامه ها اتلاف وقت و خطای آشکار است.

1- معیار پذیرفته شده در پاسخ به این سؤال نسبت به برائت ذمه بدهکاران معمولی نیز صادق است.